



دانشگاه امام صادق

نگاهی به موسیقی و غنا

ایمان عابدی^۱

چکیده:

موسیقی و غنا یکی از موضوعات مبتلی به در بین مسلمانان از زمان گذشته تا به حال است. افزایش و رشد چشمگیر زندگی اجتماعی و ارتباطات بین انسان ها در فضای اجتماعی و مجازی و وارد شدن موسیقی در زندگی همه اقشار جامعه بیش از پیش نیاز به تحقیق در این زمینه را می طلبد. همه مردم امروزه در رسانه های ملی، فروشگاه ها، رستوران ها، وسایل نقلیه و... به موسیقی برخورد می کنند. لذا شناخت موسیقی حلال از حرام بسیار حائز اهمیت است.

در این نوشته بر آن شدیم که ابتدا به مقوله فطرت انسانی و ارتباط آن با زیبایی و سپس ارتباط بین زیبایی و هنر را بررسی کنیم و به این برسیم که چگونه هنر و یکی از مصادیق آن یعنی موسیقی در زندگی بشر وارد شد.

در ادامه تا حدی به چیستی موسیقی و انواع مختلف آن میپردازیم. در ادامه به طور خلاصه به تحلیل فقهی موسیقی می پردازیم در این بخش بیشتر بر معرفی ساختار کلی تحلیل فقهی موسیقی توجه داریم و برای مطالعه بیشتر در این زمینه کتاب های بسیار خوبی نوشته شده. سپس تاثیرات موسیقی بر

انسان و موجودات را بررسی میکنیم و به جواب این سوال میرسیم که موسیقی برچه و چقدر تاثیر میگذارد؟ و در بخش آخر موسیقی را در کلام امام خمینی و امام خامنه ای بررسی میکنیم.

پنج بخش اصلی این مقاله

۱. فطرت، زیبایی، هنر، موسیقی
۲. موسیقی چیست و انواع آن کدام است؟
۳. موسیقی از منظر فقه و فقهای اسلام
۴. تاثیرات موسیقی
۵. موسیقی در کلام امام خمینی و آیت الله خامنه ای

۱. فطرت، زیبایی، هنر، موسیقی

طبق دیدگاه استاد شهید مرتضی مطهری یک سری گرایشهای مشترکی در همه انسان ها وجود دارد که از آنها به عنوان فطرت انسانی یاد می شود. انسان ها برای درک امور فطری نیازی به استدلال ندارند همین که به آنها این امور عرضه شود می پذیرند.

استاد مطهری در کتاب فطرت گرایش به خیر و فضیلت، جمال و زیبایی، خلاقیت و ابداع، عشق و پرستش را از مصادیق فطرت به حساب می آورد. گرایش به جمال و زیبایی به صورت دوست داشتن زیبایی و زیبایی آفرینی بروز میکند.

همچنین در روایت از پیامبر هست که:

إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ^۱

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

ارزش زیبایی آفرینی در کلام حضرت علی علیه السلام:

قِيمَةُ كُلِّ امْرِءٍ مَا يُحْسِنُهُ^۱

قیمت و ارزش هرکس به اندازه کاری است که به خوبی انجام دهد.

در تعریف زیبایی، مطلق یا نسبی بودن آن، ارتباط زیبایی با قوه جنسی، انواع زیبایی و موضوعات دیگر در مورد مقوله زیبایی اختلاف نظر بسیار زیادی وجود دارد .

نکته بسیار مهم این است که هرچند انسان بالفطره بدنبال زیبایی است ولی این بدین معنی نیست که انسان هر چیزی را که زیبا بداند آن چیز از زیبایی برخوردار است . به عبارت دیگر هر چیز دارای زیبایی ظاهری دارای زیبایی باطنی نیست . زیبایی ظاهری و قبح باطنی از شرایطی است که انسان را به اشتباه می اندازد . پس به طور کلی نمی توان هر پدیده جدید یا قدیمی را که انسان زیبا می داند زیبا دانست . یعنی گاهی انسان در شناخت زیبایی های درست دچار اشتباه میشود این اشتباه میتواند ناشی از عوامل مختلفی چون نداشتن اطلاعات کافی در مورد آن پدیده ، فریب خوردن انسان و... باشد .

از مهم ترین عوامل عدم درک زیبایی های باطنی و صحیح گناه است . گناه روح و فطرت انسان پاک را به مرور تیره و تار میکند و این باعث می شود انسان در درک زیبایی دچار اشتباه شود .

در اشتباه کردن در مورد شناخت زیبایی قرآن می فرماید:

تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰى اُمَّمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَرَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانَ اَعْمَالَهُمْ فَهُمْ وَّلِيَهُمُ الْيَوْمَ وَاِنَّ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ^۲

به خدا سوگند پیامبرانی به سوی امت های پیش از تو فرستادیم، پس شیطان کارهای [زشت] شان را در نظرشان آراست [تا انجامش برای آنان آسان

۱ . نهج الفصاحة ص ۳۱۳

۲ . نهج البلاغه، حکمت ۸۱

۲ سوره نحل ایه ۶۳

گردد]، او امروز ولی و سرپرست اینان است [که در عقاید و رفتار پیرو مشرکان پیش‌اند] و برای آنان [در قیامت] عذابی دردناک است.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ^۱

به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، اعمال [زشتشان] را در نظرشان آراستیم، پس همواره در حیرت و سرگردانی‌اند.

قُلْ لَا إِدْجَاءَ لَهُمْ بِأَسْنَانِنَا تَضْرَعُونَ وَلَا كَيْنَ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۲

پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید، فروتنی و زاری نکردند؟ بلکه دل‌هایشان سخت شد و شیطان، اعمال ناپسندی که همواره مرتکب می‌شدند در نظرشان آراست.

لذا به راحتی میتوان فهمید که گاهی اشتباه در شناخت مصداق زیبایی انسان را گمراه و به عذاب اخروی دچار می‌کند. لذا لازم به تذکر است که موسیقی حرامی که توسط انسان زیبا دانسته می‌شود نیز انسان را به عذاب اخروی دچار می‌کند.

برای مثال طبقه بندی انواع زیبایی به شکل های مختلف انجام شده است مثلا زیبایی را به زیبایی مطلق، زیبایی عقلی، زیبایی اخلاقی، زیبایی هنری (خط، نقاشی، ...) تقسیم کرده اند.

ما در اینجا یک تقسیم بندی جدید از زیبایی ارائه میکنیم.

انسان ها فطرتا به دنبال خلاقیت و ابداع هستند یکی از حوزه های ابداع توسط انسان زیبایی آفرینی است.

لذا انسان ها زیبایی را ایجاد و همچنین درک میکنند. درک زیبایی های حسی توسط حواس پنج گانه (باصره، سامعه، ذائقه، شامه و لامسه) انجام میشوند. البته این سخن به این معنی نیست که تمام زیبایی ها از نوع زیبایی های حسی

۱ سوره نمل آیه ۴

۲ سوره انعام آیه ۴۳

است و هر چیزی زیباست که به وسیله حواس حس شوند بلکه فقط زیبایی های حسی به وسیله حواس قابل درک هستند.

تعریف زیبایی های ایجادی:

از نگاهی زیبایی ها دو دسته اند دسته اول توسط انسان ایجاد نشده اند: مثل خداوند ، طبیعت، حیوانات زیبا و...

از هنر تعریف های مختلفی ارائه شده ما اینجا تعریف جدیدی ارائه می کنیم:

دسته دوم زیبایی هایی که توسط انسان ایجاد شده اند مثل نقاشی ، خط و...

که توانایی ایجاد این دسته را ما هنر مینامیم و به این دسته زیبایی ایجادی می گوئیم.

لذا هنر جلوه گاه زیبایی های حسی ایجادی است .

در نودار ۱-۱ می بینیم که زیبایی های حسی ایجادی هر کدام توسط یک هنر ایجاد می شوند برای مثال هنرهایی مثل هنر عطر و گلاب سازی که زیبایی های مربوط به حس شامه را ایجاد می کنند.

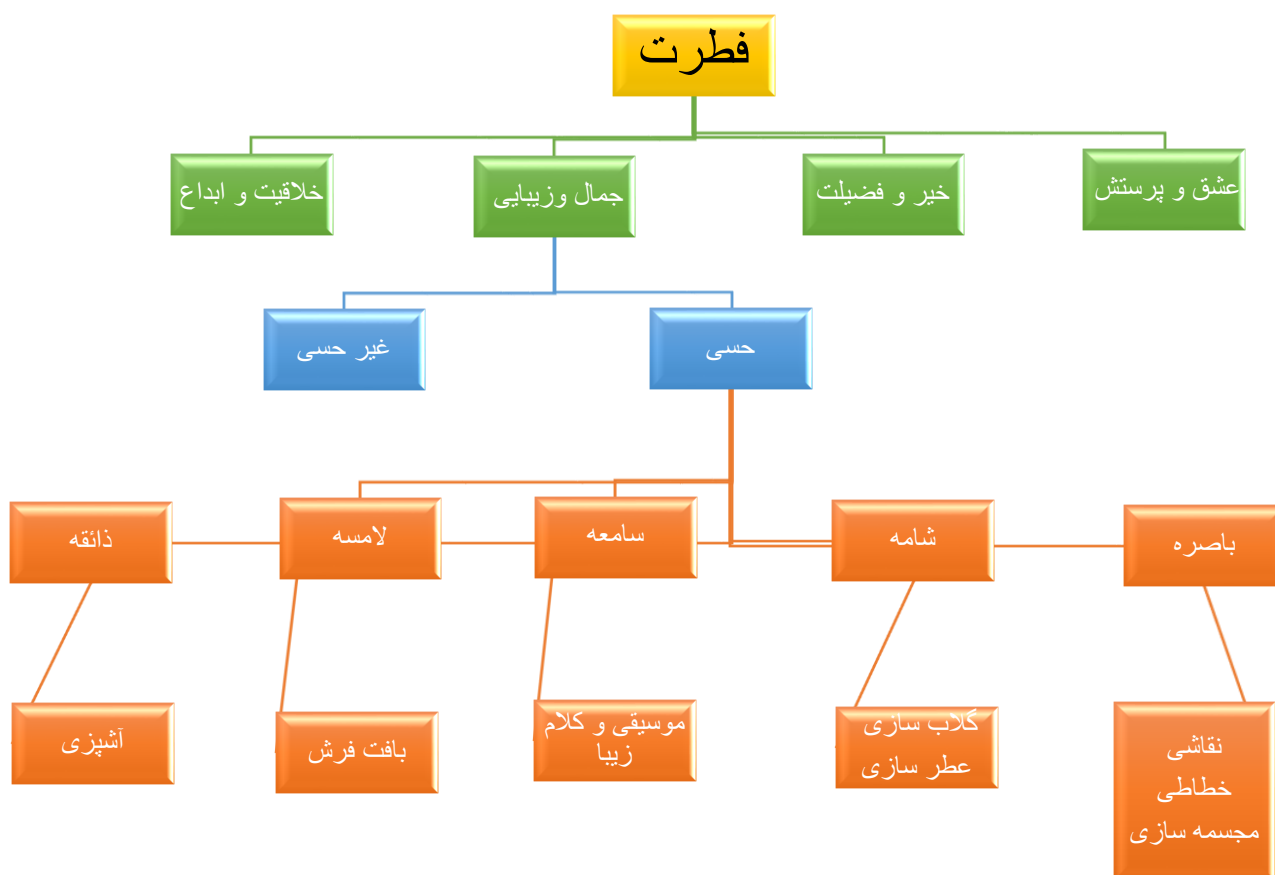
و یا زیبایی های بصری که مربوط به حس باصره است و هنرهایی که این زیبایی ها را به وجود می آورند هنر های بصری اند مثل خطاطی ، مجسمه سازی ، نقاشی و...

در مورد حس سامعه یکی از هنرها هنر موسیقی است .

و منظور از هنر موسیقی فقط دسته ای از کلام زیبا و موسیقی است که توسط انسان ایجاد میشوند.

خلاصه بحثی که تاکنون انجام شد در نمودار خلاصه میشود:

۱- نمودار



۲. موسیقی چیست و انواع آن کدام است؟

تعریف موسیقی :

اصل این واژه یونانی است و تعریف آن به شکل های مختلف در کتب مختلف آمده که از ذکر همه انواع آن و اختلافات بین آنها چشم پوشی میکنیم.

فرهنگ فارسی معین:

فن آواز خواندن و نواختن ساز

فرهنگ لغت عمید:

۱. فن آواز خواندن و نواختن ساز.

۲. آهنگی که موجب حزن یا نشاط و محرک احساسات باشد.

فرهنگ واژه های مصوب فرهنگستان:

علم ترکیب اصوات و هنر عرضه آنها به نحوی که برای شنونده مطبوع باشد.

تعریف غنا:

در تعریف غنا نیز اختلاف بسیار است که از ذکر همه تعاریف و اختلافات چشم پوشی میکنیم.

فرهنگ لغت عمید:

صوت طرب انگیز؛ آواز خوش؛ سرود.

فرهنگ فارسی معین:

آواز خوانی، آواز خوش و طرب انگیز، سرود، نغمه.

همچنین در اینکه موسیقی و غنا هر کدام مربوط به مقوله کلام است یا صوت و یا هر دو اختلاف است.

موسیقی و انواع آن:

اصوات چهارگانه:

۱. صدایی که از طبیعت شنیده میشود و معمولاً ناشی از اصطکاک اجزای طبیعت است.

۲. صدای حیوانات مثل بلبل، فاخته، قناری و...

هرکس به طریقی سخن از وصف تو گوید بلبل به غزل خوانی و قمری به ترانه

.....

هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار کرد

توحید گوی او نه بنی آدم اند و بس

۳. اصوات موزونی که از ابزار آلات ساخته بشر شنیده میشود.

۴. صدای انسان خواننده آگاه و دارای احساس

ما غنا و موسیقی را از نوع سوم و چهارم صوت میدانیم. زیرا قبلا گفتیم که موسیقی به عنوان یک جلوه گاه برای زیبایی حس سامعه است .

صداهایی که از طبیعت و حیوانات شنیده میشود انسان در ساخت آنها معمولا دخالتی ندارد. و همچنین تمام بحث های فقهی حلیت و حرمت موسیقی و غنا مربوط به نوع سوم و چهارم صوت است.

غربی و شرقی

موسیقی شرقی مثل موسیقی ایران، چین، هند و ژاپن از ویژگی های مشترکی برخوردارند مثل :

انتقال این هنر از استاد به شاگرد ، دارای قوانین و اصول ثابت ، مشقت و ریاضت در یادگیری و رسیدن به استادی و...

هفت دستگاه موسیقی ایرانی : شور، ماهور، سه گاه ، چهارگاه ، همایون، نوا، راست پنجگاه

پنج آواز ایرانی مشتق شده از دستگاه ها: ابوعطا، بیات ترک ، افشاری، دشتی ، بیات اصفهان

انواع موسیقی غربی : سمفونی، موممان، سونات، اپرا، اپرت ، سوئیت، فولکور و...

تاریخچه موسیقی

مبدا پیدایش دقیق و مشخصی از موسیقی در دست نیست و معمولا اطلاعات موجود فقط از قدمت سازها و ابزار آلات موسیقی خبر می دهند که به طور کلی میتوان فهمید قدمت موسیقی بسیار زیاد است. البته موسیقی در طول زمان رشد داشته و با موسیقی اولیه و قدیمی آن بسیار متفاوت است.

موسیقی با تعریفی که در این مقاله ارائه کردیم یعنی جلوه گاه زیبایی های شنیداری مبدا پیدایش ندارد!!!

زیرا اولین صداهای موزون صدای تپش قلب مادر است .

همچنین صداهای طبیعت اولین صداهای موزونی است که انسان شنیده است و شاید ایده ساخت موسیقی از همین صداهای موزون طبیعت به ذهن بشر خطور کرده و حتی بسیاری از ابزار آلات موسیقی از طبیعت گرفته شده است. مثلا از شاخ گاو در قدیم به عنوان یک ساز استفاده می شده یا {نی} که از طبیعت گرفته شده است.

ردپای استعمار در موسیقی ایران

باسفر ناصر الدین شاه قاجار به فرانسه چهره موسیقی ایران دستخوش یک تحول اساسی و بنیادی گردید :

ناصر الدین شاه در این سفر با دسته موزیک نظامی که به هنگام تشریفات نظامی بگوش میرسید خوشش آمد ، بطوریکه در همان جا از مسئولین فرانسه درخواست کرد فردی را بعنوان رهبر موزیک به ایران بفرستند ، پس از این یک افسر فرانسوی بنام (آلفردژان باتیست لومر) به ایران فرستاده شد و او در مدرسه دارالفنون مشغول بکار شد و شعبه ای بنام شعبه موزیک نظام تاسیسی کرد (لومر) در مدت ۱۵ یا ۱۷ سال حدود یازده شاگرد زیر دست در فن موسیقی تحویل جامعه ایران داد و پس از آن موسیقی ایران از اصالت و معنا دار بودن خود خارج و شکل مطرب به خود گرفت.^۱

روایت از امام صادق است که میفرماید:

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَمَّا مَاتَ آدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَ شَمِتَ بِهِ إِبْلِيسُ وَقَابِيلُ، فَاجْتَمَعَا فِي الْأَرْضِ، فَجَعَلَ إِبْلِيسُ وَقَابِيلُ الْمَعَارِفَ وَالْمَلَاهِي شِمَاتَهُ بِأَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَكُلُّ مَا كَانَ فِي الْأَرْضِ مِنْ هَذَا الضَّرْبِ الَّذِي يَتَلَدُّ بِهِ النَّاسُ، فَإِنَّمَا هُوَ مِنْ ذَاكَ»^۲.

۱ موسیقی در تاریخ وقران ص ۱۳۱
۲ کافی (ط - دار الحديث) ؛ ج ۱۲ ؛ ص ۷۸۱

آنگاه که حضرت آدم وفات کرد شیطان و قابیل که دشمن او بودند خوشحال شدند هر دو در محلی جمع شدند و به نشانه شادی برای مرگ آدم و شماتت او آلات موسیقی ساختند پس هرگونه آلت موسیقی که در روی زمین باشد و مردم از آن لذت ببرند از نوع همان چیزی است که شیطان و قابیل اختراع کردند.

موسیقی از منظر فقه و فقهای اسلام

برای بررسی موسیقی و غنا از دید فقه باید به بررسی ادله اربعه (اجماع، عقل، سنت، قرآن) پرداخت.

اجماع

بسیاری از فقیهان بزرگ اسلام بر حرمت غنا اجماع کرده اند. لذا در حرمت غنا شکی نیست.

عقل

در مورد مضرات و فوائد موسیقی اختلاف زیادی وجود دارد از طرفی عده ای موسیقی را به شدت مضر می دانند و از طرف دیگر عده ای موسیقی را دارای فائده میدانند.

اگر مضرات موسیقی به طور قطع و یقین اثبات شد آنگاه طبق قاعده ملازمه هرآنچه عقل به آن به طور قطعی حکم کند دین نیز همان را حکم میکند.

در بخش بعدی مقاله به تاثیرات موسیقی بیشتر میپردازیم و از آنجا به وسیله تفکر و قوه عقل بهتر می توان موسیقی را تحلیل کرد.

موسیقی از دیدگاه قرآن :

به طور کلی در قرآن صراحتاً موضوع غنا و موسیقی بیان نشده است.

لهو چیست؟

لهو چیزی است که انسان را از کارهای مهم و یاد خداوند باز می دارد.

آیات قرآن

آیه اول: در این آیه غنا و موسیقی را مصداقی از لهو الحدیث

میدانند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ (٤٤) وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَن فِي أُذُنِهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و از مردم کسانی هستند که سخنان لهو و بیهوده را می‌خرند (مانند غناء، طرب‌آور، ترانه‌های فاسد، اشعار و گفتارهای رکیک، بهتان و غیبت سرایی، رمان‌ها و افسانه‌های فسادانگیز و غیره) تا جاهلانه (مردم را) از راه خداوند گمراه سازند و آن را به مسخره گیرند؛ آنها عذابی خوارکننده خواهند داشت. و چون آیات (کتاب) ما بر او خوانده شود متکبرانه روی برمی‌گرداند، گویی که آن را نشنیده، گویی که در هر دو گوشش سنگینی است! پس او را به عذابی دردناک مژده ده!

تفسیر المیزان :

کلمه "لهو" به معنای هر چیزی است که آدمی را از مهمش باز بدارد، و لهو الحدیث آن سخنی است که آدمی را از حق منصرف نموده و به خود مشغول سازد، مانند حکایات خرافی، و داستانهایی که آدمی را به فساد و فجور می‌کشاند، و یا از قبیل سرگرمی به شعر و موسیقی و مزممار و سایر آلات لهو که همه اینها مصداق لهو الحدیث هستند. ۲

مجمع البیان فی تفسیر القرآن :

و از مردم کسانی هستند که می‌خرند کلام بیهوده را- و بدنبال او رفته و افکار خود و دیگران را به آن مشغول می‌سازند- اکثر مفسرین بر آنند که مقصود از

لهو الحدیث در اینجا غنا یعنی موسیقی و آوازه خوانی می‌باشد چنان که از «ابن عباس و ابن مسعود و دگران» همین تفسیر آمده و از امام باقر و امام صادق و حضرت رضا علیهم السلام نیز در این باب روایت آمده که تغنی از جمله لهو الحدیث و کلام بیهوده است.^۱

آیه دوم: در این آیه کریمه به داستانی در زمان پیامبر اشاره می

کند که در آن موسیقی نقش داشته!!!

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكَوْكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^۲

(ولی به نماز جمعه اهمیت ندهند) و چون تجارت یا لهوی ببینند به سوی آن پراکنده شوند و تو را ایستاده (در حال خطبه یا نماز) رها می‌کنند، بگو: آنچه در نزد خداست از لهو (از شنیدن طبل و آلات طرب که در وقت ورود کالا می‌زدند) و از تجارت بهتر است، و خداوند بهترین روزی دهندگان است.

شان نزول:

در شأن نزول آیه (وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً) روایات مختلفی نقل شده که، همه آنها از این معنی خبر می‌دهد: در یکی از سال‌ها که مردم مدینه گرفتار خشکسالی، گرسنگی و افزایش نرخ اجناس شده بودند، (دحیه) با کاروانی از (شام) فرا رسید و با خود مواد غذایی آورده بود، و این در روز (جمعه) بود و پیامبر (صلی الله علیه و آله) مشغول خطبه نماز جمعه، طبق معمول، برای اعلام ورود کاروان طبل زدند و حتی بعضی دیگر آلات موسیقی را نواختند، مردم با سرعت خود را به بازار رساندند. مسلمانانی که در مسجد برای نماز اجتماع کرده بودند، خطبه را رها کرده و برای تأمین نیازهای خود به سوی بازار شتافتند، تنها دوازده مرد و یک زن در مسجد باقی ماندند (آیه نازل شد و آنها

۱ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن ج ۱۹ ص ۱۶۲
۲ سوره جمعه آیه ۱۱

را سخت مذمت کرد) پیامبر(صلی الله علیه وآله) فرمود: اگر این گروه اندک هم می رفتند از آسمان سنگ بر آنها می بارید.^۱

فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ^۲

از گفتار انحرافی (مانند دروغ، بهتان، شهادت به ناحق و آوازخوانی) دوری جویند.

قول زور چیست؟

بعضی از مفسران این را اشاره به کیفیت لبیک گفتن مشرکان در مراسم حج در جاهلیت دانسته اند، زیرا آنها لبیک را که آئینه تمام نمای توحید و یگانه پرستی است آنچنان تحریف کرده بودند که مشتمل بر زننده ترین تعبیرات شرک آلود شده بود، می گفتند: لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، إِلَّا شَرِيكًا هُوَ لَكَ! تَمَلِّكُهُ وَ مَا مَلَكٌ: دعوتت را اجابت کردیم و به سویت آمدیم، ای خدائی که شریکی نداری، جز شریکی که مخصوص تو است، تو مالک او و هر چه او در اختیار دارد هستی.

این جمله، مسلماً سخنی باطل و بیهوده بوده، و مصداق قول زور است که در اصل، به معنی سخن دروغ، باطل و خارج از حدّ اعتدال می باشد.

با این حال، توجه آیه به اعمال مشرکان در عصر جاهلیت در مراسم حج، مانع از کلی بودن مفهوم آن که پرهیز از هر گونه بت در هر شکل و صورت، و پرهیز از هر گفتار باطل به هر نوع و کیفیت است نمی باشد. لذا در بعضی از روایات (أوثان) تفسیر به شطرنج و قول زور تفسیر به خوانندگی حرام (غنا) و شهادت به باطل شده است که در واقع از قبیل بیان بعضی از افراد این کلی می باشد، نه به معنی انحصار مفهوم آیه در خصوص این امور.

در حدیثی از پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه وآله) می خوانیم: روزی حضرت برخاست و در میان مردم خطبه خواند و در ضمن آن فرمود: بُرِّهِنَّ

۱ (مجمع البیان)، جلد ۹، صفحه ۲۸۷ و غالب تفاسیر دیگر
۲ سوره حج آیه ۳۰

النَّاسُ عَدَلْتُ شَهَادَةَ الزُّورِ بِالشُّرْكِ بِاللَّهِ، ثُمَّ قرَأَ فَاجْتَنَبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنَبُوا قَوْلَ الزُّورِ: ای مردم شهادت به باطل همطراز شرک با خدا است سپس این آیه را تلاوت فرمود: فَاجْتَنَبُوا الرَّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنَبُوا قَوْلَ الزُّورِ.

این حدیث نیز اشاره به وسعت مفهوم این آیه است.^۱

آیه سوم:

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلِكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ^۲

و چون سخن لغوی (مانند مسخره و فحش و غیبت و هتاک) بشنوند، از آن روی برتابند و (با زبان حال) گویند: عمل‌های ما از آن ما و عمل‌های شما از آن شما، سلام بر شما، ما نادان‌ها را (به دوستی و رفاقت) نمی‌طلبیم
تفسیر المیزان:

مراد از "لغو" سخن بیهوده است، به دلیل کلمه "سمعوا" می‌شنوند، چون لغو شنیدنی و از مقوله سخن است، پس مقصود سخنان بیهوده و خشن و زشتی است که پرداختن به آن، کار عاقلان نیست، و لذا وقتی آن را می‌شنیده‌اند، از آن اعراض نموده، و مقابله به مثل نمی‌کرده‌اند، بلکه می‌گفته‌اند: اعمال ما برای ما، و اعمال شما برای شما، و این در حقیقت متارکه و اعلام ترک گفتگو است، "سَلَامٌ عَلَيْكُمْ" یعنی شما از ناحیه ما خاطرتان جمع باشد، و ایمن باشید، که گزندی نخواهید دید، این جمله باز اعلام متارکه، و خداحافظی محترمانه است که با این جمله می‌فهمانده‌اند شان ما اجل از آن است که این گونه سخنان بیهوده را دنبال کنیم، هم چنان که در جای دیگر در باره مؤمنان فرموده: "وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا" و چون مردم نادان به ایشان خطاب می‌کنند، در پاسخ می‌گویند: سلام، و یا پاسخی سالم می‌دهند.^۳

یکی از مصادیق لغو میتواند غنا و موسیقی حرام باشد.

^۱ www.makarem.ir

^۲ سوره قصص آیه ۵۵

^۳ تفسیر المیزان ج ۱۶ ص ۷۸

موسیقی از دیدگاه سنت

طبق کتاب موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام نوشته ی آقای محمد اسماعیل نوری:

احادیث در مورد حرمت غنا و موسیقی حرام به علت تعداد بسیار زیاد به حد تواتر رسیده همچنین در این مورد علمایی همچون: شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر)، میرزای قمی، امام خمینی، آیت الله خویی، آیت الله مکارم شیرازی، و... قائل به این تواتر هستند.

همچنین در مورد غنا و موسیقی حرام روایات به پنج دسته تقسیم می شوند:

۱. روایات در ممنوعیت غنا و موسیقی
۲. روایات در مذموم بودن موسیقی و ممنوعیت آلات آن
۳. روایات در نکوهش شخص خواننده و نوازنده
۴. روایات در ممنوعیت گوش دادن به غنا و موسیقی
۵. روایات در پرهیز از غنا و موسیقی و پاداش اخروی آن

علامه محمد تقی جعفری در این مورد می فرماید:

اولا تاریخ نشان نداده است که از انبیا و مرسلین و ائمه و صحابه و پیروان واقعی آنان موسیقی را برای تربیت ارواح آدمیان توصیه کرده باشند با اینکه رسالت و پیام آنان در باره ارائه هرگونه طریق تکامل برای انسان ها بوده آن پیشوایان حتی برای آسایش روانی موقت هم تمایل به استماع آنها از خود نشان نداده اند، درحالیکه زحمات و شفقت های دنیا آنان را از جهات متعدد احاطه کرده بود.^۱

نظر شهید بهشتی در مورد موسیقی :

یکی از سؤالات شما این است که نظر اسلام درباره موسیقی چیست؟ از چه منبعی در دین این جواب را می دهید؟ اگر از قرآن است خواهشمندم آیه آن را

نشان دهید. قبل از این که نظر اسلام را درباره موسیقی توضیح بدهم، لازم است این نکته را یادآوری کنم که در آیات قرآن کریم و همچنین در روایات، کلمه موسیقی یا موزیک یا معادل آن از کلمات عربی سراغ ندارم؛ در قرآن کریم که قطعاً نیست و در روایات هم تا آنجا که در خاطر هست، سراغ ندارم. فقهای ما وقتی می خواستند درباره حکم موسیقی در اسلام صحبت کنند، مطلب را تحت عنوان حکم «غنا» در اسلام از یک طرف و همچنین حکم «آلات لهو» از طرف دیگر مطرح کردند. در کتاب های فقهی، یک جا بحث درباره غنا و در کنار آن بحث درباره آلات لهو دیده می شود. کلمه «لهو» در چند جای قرآن کریم آمده است. از جمله در سوره جمعه که شاید شنیده باشید:

وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ
وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ^۱

روش گروهی از مسلمان های سست ایمان این بود که در هنگام نماز جمعه و موقعی که پیغمبر مشغول خطبه بود، اگر صدای ساز و نوا در بیرون از مسجد بلند می شد یا صدای طبل کاروان تجارتی که از بیرون مکه رسیده بود، به گوششان می رسید برای تماشای بساط طربی که آنجا بود یا برای این که فرصت از دستشان نرود برای معامله با کاروان، قبل از این که دیگران به این قافله و کاروان تجاری برسند از پای خطبه پیغمبر که در نماز جمعه ایراد می کرد پا می شدند و می رفتند. در این آیه از این افراد انتقاد شده است:

شما نباید به عنوان تجارت و کارهای تجارتی یا به عنوان تفریح و سرگرمی از پای خطبه پیغمبر در نماز جمعه بلند شوید و بروید؛ زیرا سودی که خدا در سنت های خود برای مردم با ایمان و درستکار مقدر و مقرر کرده، به مراتب از سودی که شما از حضور در مراسم شادی و طرب و یا لهو و سرگرمی یا پیش دستی در تجارت یا کاروان تازه رسیده نصیبتان می شود، بیشتر است.

غالباً این طور گفته اند که منظور از لهو در اینجا همان صدای شیپور و نقاره و طبل و اینجور چیزهایی و موسیقی و تفریح در اسلام بوده که کاروان های

تجارتی معمولاً وقتی از بیرون وارد شهر می شدند، می زدند تا مردم با خبر بشوند که این قافله تجارتي وارد شهر شده و برای معامله با قافله بیایند. عده ای از مردم برای تماشا و سرگرمی می رفتند و خود این سر و صداها و علاوه بر این اصلاً دیدن و تماشای قافله يك سرگرمی بود. يك عده هم برای تجارت و معامله می رفتند. این همان چیزی است که حتی امروز هم هست. می دانید که هنوز هم در جاهای کوچک وقتی می خواهند چیزهای کهنه را بخرند، زنگ می زنند تا نشان بدهند که برای خرید آمده اند. اما از این آیه نمی شود برای حرام بودن موسیقی و حرام بودن لهُو استفاده کرد. حتی می شود گفت که آیه در صدد این است که بگوید چرا این ها نماز پیغمبر را ترك کردند و رفتند، همین طور که با استفاده از این آیه نمی شود گفت که تجارت حرام است.

در چند آیه دیگر از قرآن کلمه «اللغو» آمده و بعضی از فقها لغو را هم همان لهُو معنی کرده اند و در آن آیات هم از لغو نکوهش شده اما باز در حرام بودن لهُو استفاده نمی شود. در سوره مؤمنون در آیه سوم در صفات مؤمنان گفته می شود: *والذین هم عن اللغو معرضون*. آنها کسانی هستند که از لغو یعنی از لهُو اعراض می کنند. «لغو یعنی بیهوده و لهُو یعنی سرگرمی. مؤمنان کسانی هستند که از بیهوده روی می گردانند». در آیه ۷۲ از سوره فرقان در صفات بندگان *پاك گفته می شود:*

والذین لا یشهدون الزور و اذا مروا باللغو مروا کراماً. آنها که به باطل شهادت نمی دهند و یا در مجالس باطل شرکت نمی کنند و وقتی که از کنار لغو می گذرند با بزرگواری از کنار آن می گذرند.

یا در آیه ۵۵ از سوره قصص:

و اذا سمعوا اللغو أعرضوا عنه وقتی که لغو به گوش آنها می خورد اعراض می کنند و روی می گردانند.

این آیات، خواه «لغو» به معنی «لهُو» و خواه «لغو» به معنی «لغو» باشد و یا اصلاً معنی مستقلی داشته باشد، ظاهر مطلب این است که از این آیات در اثبات حرمت موسیقی نمی توان استفاده کرد. بنابراین می توان گفت که در آیات

قرآن کریم آیه ای که بتوانیم از آن حرمت موسیقی و به طور کلی حتی حرمت لغو و حتی حرمت غنا را استفاده کنیم، موجود نیست.

این درباره آیات اما درباره روایات روایات بسیاری درباره غنا هست که از این روایات کم و بیش برای حرمت غنا استفاده می شود. روایاتی هم درباره ساز زدن، تنبور زدن و اینجور چیزها هست که به آنها آلات طرب و آلات لهو گفته می شود. این روایات هم کم و بیش بر حرام بودن استفاده از این وسایل دلالت می کند و این روایات هم در میان کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت موجود می باشد. درباره این روایات باید اجمالاً گفت که این روایات می خواهد بگوید غنا و همچنین استفاده از آلات طرب از قبیل ویلن و انواع دیگر سازها مانند تار و تنبک، حرام است. بعضی از فقها این طور استنباط کرده اند که این روایات نمی خواهد بگوید که موسیقی به طور کلی حرام است بلکه این ها می خواهد بگوید، این بساط مجالس لهو و لعب، این بساط مجالس خوشگذرانی که در زمان امامان معصوم و در زمان پیشوایان اسلامی در خانه های ثروتمندان، حکام، فرمانداران، صاحبان ثروت و قدرت معمول بوده، مجموعاً حرام است. در حقیقت این روایات در صدد بیان حرمت آن سبک موسیقی و آن سبک مجالس عیاشی که در زمان پیشوایان دینی ما در خانه ها و در محل زندگی بسیاری از اشراف و ثروتمندان معمول بوده، می باشد و این مجالس، مجالسی بوده که در آن خوانندگی به عنوان نمک آش استفاده می شده، یعنی خوانندگی و نوازندگی برای تشویق شرکت کنندگان به گناهان دیگر بوده است. اصلاً این نوع خوانندگی و نوازندگی به این معنا که در آن مجالس زنان با مردان شرکت می کردند و مجالس، مجالس عیاشی، هوسرانی، هرزگی، زنا، فسق و فجور بوده و ترانه هایی که تشویق کننده به این کار بوده، حرام است.

بنابراین خلاصه مطلب چنین است: آوازه خوانی حرام نیست و هر نوازندگی حرام نیست. آن نوع از آوازه خوانی و آن نوع از نوازندگی که شنونده یا حاضران در يك مجلس را به گناه می کشاند و اهتمام آنها را به رعایت قوانین پاکی و تقوی ضعیف می کند و اراده آنها را برای گناه نکردن و به گناه آلوده نشدن سست می کند و آنها را به شرکت در فساد و گناه تشویق می کند، این نوع موسیقی حرام است. اما اگر آوازه خوانی یا حتی موسیقی هست که این اثر را

ندارد، حرام نیست. این رأی برخی دیگر از دانشمندان و فقهاست که این روایات را این طور فهمیده اند. بنابراین درباره موسیقی در اسلام می توان این طور گفت که هر نوع آوازه خوانی و هر نوع موسیقی که شنونده را به شهوترانی و مخصوصاً به بی پروایی درگنه کاری می کشاند و شنونده را برای ارتکاب فسق و فجور و کارهای خلاف عصمت و پاکی و تقوی بی پروا می کند و انگیزه های شهوت را در او چنان برمی انگیزد تا در ارتکاب گناه، خدا، قانون خدا، تعالیم پیغمبران، رعایت پاکی و تقوی و رعایت ارزش های عالی انسانی را ولو موقتاً فراموش کند در اسلام حرام است. این قدر مسلم است.

اما نمی شود گفت که آوازه خوانی ها و موسیقی های دیگر به طور مسلم در اسلام حرام شده است. حالا توجه می کنید به این که حتی کلمه لهو و به خصوص کلمه لغو هم چقدر با این نوع موسیقی مناسب است. در کلمات فقها گفته می شود: *اللهم ما ينهي عن ذكر الله لهو آني* است که آدمی را از یاد خدا غافل کند. این از یاد خدا غافل کردن، می خواهد مرحله خاصی از غفلت از یاد خدا را بیان کند و آن مرحله خاص این است که آدم با ایمان، هر وقت با گناهی و لغزشی روبه رو می شود، خودبه خود به یاد خدا می افتد. این که چون این کار حرام است و خدا گفته نکن، پس نکنم. این حالت که برای يك انسان با ایمان در موسیقی برخورد با گناه دست می دهد یکی از ضامن های مؤثر در حفظ پاکی و فضیلت در مردم است. **اصلاً یکی از مهمترین ارزش های ایمان این است که ایمان پلیس باطن است.** وقتی انسان تك و تنها هم نشسته و با گناهی روبه رو می شود، ایمان درونی و وجدان الهی بر او نهیب می زند که خدا ناظر اعمال توست! نکن! این نوع توجه به خدا از مهمترین ارزش های تربیت های دینی است. بنابراین خود به خود آن نوع موسیقی و آن نوع از آوازه خوانی که در آدمی این توجه را ضعیف کند تا آن حد که انسان وقتی با گناه روبه رو می شود اصلاً دیگر یادش نباشد که خدایی هست و بی پروا گناه کند و حتی با شوق و رغبت به گناه آلوده شود، البته حرام است. من فکر می کنم که اگر هیچ آیه و هیچ روایتی هم در این باره نبود و فقط ما بودیم و تعالیم اسلام و بلکه تعالیم ادیان درباره ارزش ایمان، استنباط می کردیم که این نوع موسیقی حرام است.

خلاصه می‌کنم: بسیاری از ترانه‌هایی که مخصوصاً زن‌های ترانه‌خوان می‌خوانند، وقتی در مجلسی خوانده می‌شود و عده‌ای را در ارتکاب گناه بی‌اختیار می‌کند، این نوع آواز خوانی و ترانه‌خوانی حرام است. بنابراین آن نوع موسیقی‌ها، آن نوع ترانه‌ها، نوازندگی‌ها و خوانندگی‌ها که در شنونده این اثر را بگذارد که او را در ارتکاب گناه بی‌پروا کند به طوری که در برخورد با گناه اصلاً یاد خدا نباشد یا یاد خدا برایش آنقدر ضعیف شده باشد که او را نتواند از گناه باز بدارد و این ضعف و این تضعیف یاد خدا نتیجه این خوانندگی و نوازندگی باشد، چنین خوانندگی و چنین نوازندگی که این اثر تضعیف‌کننده ایمان و پروای از گناه را داشته باشد، حرام است.

این را می‌توان به عنوان نظر قطعی اسلام درباره موسیقی گفت. اما آیا هر نوع خواندن و هر نوع نواختن که این اثر را نداشته باشد، به صرف این که خوانندگی است، می‌توان گفت حرام است یا نه مورد تردید است. قدر مسلم این است که از مسلمات اسلام نیست و آن را به حساب رأی همه علمای اسلام و فقهای اسلام و حتی رأی همه فقهای شیعه هم نمی‌شود گذاشت. این‌ها مطالبی است که فعلاً تا این حد درباره موسیقی می‌توانم بگویم. الان کتابی که با این منطق، مطلب را تجزیه و تحلیل کرده باشد به خاطر ندارم. اگر در آینده چنین کتابی دیدم برای مطالعه شما خواهم فرستاد^۱.

جمع بندی:

اختلاف بین علما و فقها در باب موسیقی و غنا زیاد است از جمله:

۱. غنا از مقوله صوت است یا کلام؟
۲. حرمت کلی موسیقی و غنا یا حرمت بخشی از آن
۳. حرمت صدای زن خواننده
۴. تشخیص حرمت یا حرمت موسیقی بر عهده کیست؟ عرف، عرف مذهبی، عوام، علما یا ...

۵. حرمت آلات موسیقی و یا حرمت بخشی از آن ؟

۶. حرام یا حلال بودن صداهای مشکوک

۷. حد و مرز غنا

و حرام بودن غنا از موارد مورد اتفاق نظر است.

مجموع نظر علما برای تعریف صوت حرام بدین گونه می شود:

(آواز و صوتی که به صورت لهوی، مطرب، فساد انگیز و تحریک کننده، همراه با اشعار باطل یا لغو باشد حرام است)

لذا صوت یا کلام هر کدام هر یک از ویژگی های بالا را داشته باشد حرام محسوب می شود. داشتن یک ویژگی برای حرمت کافیهست.

تعریف طرب: آوازی مطرب تلقی می شود که انسان را از حالت عادی خارج کند و موجب شود انسان حرکات یا رفتارهای خاصی بروز دهد که در حالت عادی بروز نمی دهد حال این طرب می تواند حزن یا شادی باشد.

ولازم به ذکر است طرب شانی است نه فعلی یعنی موسیقی یا آوازی که شانیت و صلاحیت طرب داشته باشد. ممکن است یک صوت مطرب برای یک شخص به علت خاصی طرب آور نباشد در این صورت باز هم آن صوت مطرب حساب میشود.

البته جمله بالا بیشتر به عنوان جمع بندی جملات همه علما گفته شده.

برای اطلاع از حکم شرعی باید هر کس به مرجع تقلیدش رجوع کند.

۴. تاثیرات موسیقی

در این بخش به تاثیر گذاری موسیقی در موضوعات مختلف می پردازیم.

سوال: آیا موسیقی در تلطیف احساسات بشر موثر بوده است؟

قبل از جواب به این سوال باید تکلیف حسن و قبح خشونت یا سختی و مهربانی معلوم شود.

" وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ "

این جمله نیز مرکب است از مبتدا و خبر. پس کلام در این صدد است که مؤمنین به رسول خدا (ص) را توصیف کند، و " شدت " و " رحمت " که دو صفت متضاد است از صفات ایشان شمرده شده. و جمله " أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ " را مقید کرد به جمله " رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ " تا توهمی که ممکن بود بشود دفع کرده باشد، و دیگر کسی نپندارد که شدت و بی‌رحمی نسبت به کفار، باعث می‌شود مسلمانان به طور کلی و حتی نسبت به خودشان هم سنگ دل شوند لذا دنبال " اشداء " فرمود " رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ " یعنی در بین خود مهربان و رحیمند. و این دو جمله مجموعاً افاده می‌کند که سیره مؤمنین با کفار شدت و با مؤمنین رحمت است.^۱

در مورد کافران مهربانی بکار نرفته است لذا معلوم می‌شود که همیشه مهربانی خوب نیست. البته مهربانی با غیر مسلمان در جایی که برای تبلیغ اسلام بکار می‌رود بحث دیگری است.

حکام و پادشاهان معمولاً اهل موسیقی بودند ولی در عین حال بعضاً بسیار ستم‌گر بودند. لذا مشخص می‌شود حداقل اگر هم موسیقی در تلطیف احساسات بشر موثر است تاثیر بسیار کوتاهی دارد.

شهید بهشتی در مورد هنر می‌فرماید: هنر سه گونه است هنر سکسی، هنر طاغوتی، هنر انسانی و هنر انسانیت هنر طاغوتی همان هنری است که پادشاهان را مغرورتر میکند و باد بیشتر به غبغب طاغوت می‌افکند این هم یک هنر است هنر ثناگویی و غرورآفرینی برای جباران و گردن‌کشان تاریخ. این هنر طاغوتی که شهید می‌فرماید همان هنری است که باعث تلطیف احساسات نشده.

هرگز این چنین نیست که موسیقی دان و یا هر عاشق موسیقی یا حتی به طور کلی هر عاشق هنر یا هنرمند بخاطر موسیقی یا هنر دارای روح لطیف و مهربان باشد.

مثلا نرون فرمانروای روم (۵۴ تا ۶۸ میلادی)

نرون یک امپراتور مستبد و ظالم بود، به طوری که در سال ۶۴ میلادی، زمانی که شهر رم به خاطر آتش سوزی در حال نابود شدن بود، به کارهای بیهوده از جمله نقاشی و سرودن شعر می پرداخت و به موسیقی و هنر علاقه زیادی داشت او همچنین مادر خود را کشت ، و جنایت شهر سوخته نیز زیر سر اوست.

لذا تنها هنر موجب تلطیف احساسات نمی شود.

تأثیرات موسیقی بر کیست؟

تأثیر موسیقی بر ملکول های آب:

یک محقق ژاپنی با انتشار یافته های تحقیقات خود مدعی شد که مولکول های آب نسبت به مفاهیم انسانی تأثیر پذیرند. پروفیسور (ماسارو ایموتو) که یافته های خود را با استفاده از حدود ۱۰ هزار آزمایش جمع آوری نموده، در سه جلد کتاب ارائه کرده است. وی معتقد است که مفاهیم متافیزیکی محیط بر روی ترکیب مولکولی آب تأثیر می گذارد. بنا بر آنچه در کتاب «ایموتو» آمده است، ما به مدارک حقیقی دست یافته ایم که نشان می دهد، انرژی ارتعاشی بشر، افکار، نظرات، موسیقی، دعا و نیایش بر ساختار مولکولی آب اثر می گذارد. وی اثر نواختن موسیقی های مختلف را نیز بر آب آزمایش کرد و تغییر شکل ملکول های آب را مشاهده کرد.

تأثیر موسیقی بر گیاهان :

همچنین در مزارعی که موسیقی پخش شده گیاهان رشد سریع تری داشته اند.

تأثیر موسیقی بر حیوانات:

آواز حدی آوازی است که اعراب برای تحریک شتر به راه رفتن می خواندند و باعث میشد شتر بیشتر راه برود .

نبینی شتر بر حدای عرب که چو نش به رقص اندر آرد طرب همچنین اگر برای گاو شیر ده موسیقی پخش شود شیر گاو زیاد تر می شود البته فعلا به کیفیت آن شیر کار نداریم محل بحث صرفا در تاثیر گذاری موسیقی است.

لذا موسیقی بر حیوانات نیز تاثیرگذار است.

تأثیر موسیقی بر کودکان:

از موسیقی های تاثیر گذار بر کودکان لالایی هایی است که برای خواباندن کودک استفاده می شود ، یا دیده ایم که کودکان به هنگام شنیدن موسیقی حرکات خاصی انجام می دهند و موسیقی آنها را تحریک به فعالیت میکند.

تأثیر موسیقی در چند جای دیگر:

در باشگاه های ورزشی برای تحریک ورزشکار به ورزش بیشتر موسیقی پخش میشود و این مقدار ورزش ورزشکار را بیشتر میکند.

یا بعضا در کارخانه هایی که موسیقی پخش میشود کارگران بیشتر کار میکنند مشخص است که موسیقی به خودی خود انرژی زا نیست و حتما اتفاقی که افتاده این است که کارگر در مدت زمان کمتر انرژی بیشتری مصرف کرده و این خلاف حالت عادی بوده است .در این مثال موسیقی در خدمت این هدف کثیف یعنی کسب سود بیشتر بنگاه به قیمت ظلم به کارگر قرار گرفته است.

نتیجه گیری :

اگر موسیقی تاثیر گذار باشد تاثیر آن دو ویژگی مهم دارد :

(۱) روی مراتب پست حیات است .

(۲) معمولا کوتاه مدت است .

مثلا در داستانی که پیامبر در حال خواندن خطبه بودند و همه افراد برای تجارت یا لهو نرفتند بلکه عده ای در مسجد ماندند معلوم است که لهو یا تجارت بر همه افراد تاثیر گذار نبوده و آنها را نسبت به خطبه پیامبر بی اعتنا نکرده لذا آن افراد کمال یافته که ماندند را می توان مراتب عالی حیات نامید .

یعنی موسیقی بر مراتب عالی حیات و بر انسان های متکامل و کمال یافته تاثیر گذار نیست . لذا حداکثر تاثیر موسیقی روی مراتب پست حیات است .

یا حداقل میتوان به این باور رسید که تاثیر موسیقی روی مراتب عالی حیاتی بسیار کمتر از مراتب پست حیاتی است .

لذا اگر تاثیر موسیقی کوتاه مدت و بر مراتب پست حیات باشد استفاده از آن برای اهداف مثبت خیلی پسندیده یا مثر ثمر نخواهد بود .

شاید بتوان گفت استفاده از موسیقی برای تشویق به سمت جبهه ها یا تبلیغ اسلام و... فقط بر مراتب پست حیاتی تاثیر گذار است . افراد عالم و متکامل نیازی به تاثیر پذیری از موسیقی ندارند و اساسا موسیقی بر آنان تاثیر جدی ندارد شاید در حد یادآوری یا تشویق به تفکر در موضوعی باشد . و یا اگر موسیقی در جهت منفی استفاده شود و بر ضد ارزشهای اسلامی شعری گفته شود باز فقط بر مراتب پست حیاتی تاثیر می گذارد .

گفته اند فارابی سازی اختراع کرده که از چوب وسیم تشکیل شده ، همینکه ترکیبات آنرا تغییر می داد صدایش عوض میشد روزی به طور ناشناس در بزم سیف الدوله وارد شد و از نوازندگان عیب جویی کرد سیف الدوله از وی پرسید مگر از موسیقی اطلاعی داری ؟ فارابی ساز مشهور خود را درآورد و سوار کرد و قسمتی نواخت که همه به خنده درآمدند سپس آن ساز را پیاده کرد و طور دیگر سوار کرد و آنچنان نواخت که همه گریستند و آنگاه به شکل

دیگری ترکیب کرد و نوای تازه ای نواخت که همه حتی دربانان به خواب رفتند و فارابی مجلس را ترک کرد و رفت.^۱

علامه محمد تقی جعفری می فرمایند:

بعضی از انواع موسیقی روحانی البته درست است که تحریک مثبت در درون به وجود می آورد و ما را از موجودیت غوطه ور در طبیعت و خود خواهی بالاتر می برد ولی هنگامی که موسیقی تمام می شود یک سرازیری حقیقتی در خود احساس میکنیم و می بینیم که موسیقی سایه ای از ما برای ما ساخته و آن را بالا برده بود .

به همین جهت بود که در جنگ های صدر اسلام نمی بینیم که مسلمانان برای تحریک سربازان خود از موسیقی استفاده کنند بلکه آنها شعارهای واقعی را بطور دسته جمعی می گفتند این در حالی بود که در بعضی جنگها زنان دشمن به وسایل موسیقی ممکن در آن زمان برای تحریک سربازان خود متوسل می شدند.^۲

موسیقی و درمان

تاریخچه استفاده از موسیقی به عنوان روشی برای درمان به زمان ارسطو و افلاطون باز می گردد. از آن زمان به بعد رگه هایی از استفاده از اصوات و آهنگها برای درمان بیماریهای مختلف بکار رفته است. اما در قرن بیستم فکر رسمی استفاده از موسیقی برای درمان مصدومین جنگ جهانی اول آغاز شد و هر چند استفاده از این روش درمانی با مشکلاتی همراه بود که با قدم هایی که برداشته شد، به تدریج این شاخه درمانی تکامل یافت و انجمن های متعددی تشکیل گردید. بطوری که در سال ۱۹۴۴ اولین برنامه آموزش موسیقی درمانی در جهان در دانشگاه میشیگان آغاز شد.

۱ در آمدی بر موسیقی از دیدگاه دانشمندان و فقها
۲ موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی ص ۱۰۵-۱۰۶

در سال ۱۹۵۰ انجمن موسیقی درمانی آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۷۱ انجمن موسیقی درمانی آمریکا یا AAMT آغاز به کار کرد. در سال ۱۹۸۵ فدراسیون جهانی موسیقی درمانی در سطح بین المللی به ثبت رسید. انجمن موسیقی درمانی ایرانی با اهداف بالا بردن سطح آگاهی افراد از فرآیند موسیقی درمانی و فواید آن و بالا بردن امکانات تخصصی برای استفاده از این شیوه درمانی فعالیت خود را آغاز کرده است.^۱

هدف از آوردن اطلاعات مختصری در مورد موسیقی درمانی صرفاً اطلاع رسانی در این مورد بود که بعضی از افراد به چنین درمانی معتقدند. ولی قصد اثبات یا رد این درمان را نداریم.

۵. موسیقی در کلام امام خمینی و آیت الله خامنه ای:

امام خمینی ره:

موسیقی، منشأ تخدیر افکار

واژه‌های چیزهایی که مغزهای جوان‌ها را تخدیر می‌کند موسیقی است. موسیقی اسباب این می‌شود که مغز انسان وقتی چند وقت به موسیقی گوش کرد، تبدیل می‌شود به یک مغزی غیر آن مغز کسی که جدی باشد.^۲

موسیقی و جوانان

موسیقی از اموری است که البته هر کسی از موسیقی به حسب طبع خوشش می‌آید؛ لکن از اموری است که انسان را از جدّ بیرون می‌برد به یک مطلب هزل. دیگر این جوانی که عادت کرد که روزی چند ساعتش را با موسیقی سر و کار داشته باشد - که اینها شاید اکثر رادیوشان و تلویزیونشان از همین قسمها بود - یک جوانی که اکثر اوقاتش را صرف بکند در اینکه پای موسیقی بنشیند

۱ <http://daneshnameh.roshd.ir>

۲ ویژگی‌های رژیم غیر الهی - نقش تربیتی رادیو و تلویزیون ۱۳۵۸/۰۴/۳۰

و اینها، این از مسائل زندگی و از مسائل جدی بکلی غافل می‌شود، عادت می‌کند، مثل همان که به مواد مخدره عادت می‌کند. کسانی که به مواد مخدره عادت می‌کنند، دیگر نمی‌توانند یک انسان جدی باشند که بتواند در مسائل سیاسی فکر بکنند. فکر انسان را موسیقی جوری می‌کند که دیگر نتواند در غیر همان محیط موسیقی و مربوط به شهوات و مربوط به موسیقی نتواند اصلاً فکر بکند!

رادیو و تلویزیون باید آموزنده باشد* موسیقی و جوانان * حذف موسیقی از رسانه ملی

دستگاه تلویزیون یا دستگاه رادیو که آموزنده باید باشد، قدرت بدهد به جوان‌های ما، جوانهای ما را نیرومند کند، نباید دستگاه تلویزیون جوری باشد که ده ساعت موسیقی بخوانند. جوانی که نیرومند هست از نیرومندی برگرداند به یک حال خمار و به یک حال خلسه، مثل همان تریاک می‌ماند این هم اینقدر با او فرق ندارد، این یک جور خلسه می‌آورد، آن یک جور خلسه می‌آورد. اینها باید تبدیل بشود. اگر بخواهید مملکتتان یک مملکت صحیح باشد، یک مملکت آزاد باشد، یک مملکت مستقل باشد، مسائل را از این به بعد جدی بگیرید. رادیو و تلویزیون را تبدیلش کنید به یک رادیو و تلویزیون آموزنده، موسیقی را حذف کنید. نترسید از اینکه به شما بگویند که ما موسیقی را که حذف کردیم کهنه پرست شدیم! باشد ما کهنه پرستیم! از این نترسید. همین کلمات نقشه است برای اینکه شماها را از کار جدی عقب بزنند.

حذف موسیقی در رادیو – تلویزیون

اینکه می‌گویند که اگر چنانچه موسیقی در رادیو نباشد آنها می‌روند از جای دیگر می‌گیرند موسیقی را، بگذار بگیرند از جای دیگر، شما عجلتاً آلوده نباشید؛ آنها هم کم‌کم برمی‌گردند به اینجا. این عذر نیست که اگر موسیقی در رادیو نباشد، آنها می‌روند از جای دیگر موسیقی می‌گیرند. حالا اگر از جای دیگر موسیقی بگیرند، ما باید به آنها موسیقی بدهیم؟! ما باید خیانت بکنیم؟! این

خیانت است به یک مملکتی، خیانت است به جوانهای ما. این موسیقی را حذف کنید بکلی، عوض این یک چیزی بگذارید آموزنده باشد. کم کم مردم را و جوانهای ما را عادت به آموزندگی بدهید؛ از آن عادت خوبی که داشتند برگردانید. اینکه می بینید که جوان ها اگر این نبود می روند سراغ موسیقی دیگر، برای این که اینها عادت کردند! ^۱

حذف کدام موسیقی؟

باز هم این را تکرار می کنم که موسیقی ها باز کمی هست، باید اشخاصی که مطلعند اینها موسیقی هستند مشاهده کنند ببینند اگر یک چیزی را می بینید موسیقی اش را نمی توانید رد کنید، اصلش را رد کنید. آقای محمد هاشمی (مدیر عامل صدا و سیما) منظور غنا است؟ همان را می گویم اگر موسیقی حرام باشد.

آن چیزهایی که راجع به جنگ است اینها چیزی نیستند.

آقای محمد هاشمی: سرودها؟

بله، اینها چیزی نیستند، اما گاهی هم هست که غناست.

آقای هاشمی: شما موارد خاصی که به نظرتان هست، اگر موارد خاصی را در نظر دارید معین کنید

من نمی توانم بگویم، من که نمی توانم بنشینم پای رادیو ببینیم چی می گوید، اینجایش چطور است. این را باید خود شما آقایان، اشخاصی که مطلعند از آن، جدا کنند از هم، لابد می توانند این را، وقتی هم که چیزی را می خواهند به پخش بدهند، می توانند این را جداش کنند، اگر هم نتوانستند اصلش را کنار بگذارند...^۲

(۱) همان

۲ نقش صدا و سیما در ترویج اسلام و چهره ایران، و لزوم اصلاح برنامه های آن ۱۳۶۲/۱۰/۱۷

وضعیت گذشته ، وضعیت امروز اگر امام امروز بودند چه می گفتند ؟

یکوقتی بود که در تهران من گاهی از خیابان عبور می‌کردم، همین طور که آدم می‌رفت موسیقی بود. در تمام دکان‌ها صدای موسیقی که پخش می‌شد، همین طور تا آخر موسیقی بود، این مغز را اینطور متزلزل می‌کردند. حواس را می‌بردند دنبال این مسائل، که مبادا راجع به آن مسائلی که مربوط است به زندگی‌شان، مربوط به مسائل انسانی‌شان هست، مربوط به استقلال مملکتشان است، مبادا متوجه به او بشوند، و همین طور هم هست.^۱

آثار تخریبی موسیقی ، موسیقی و غرب زدگی

اگر شما علاقه دارید به اسلام، علاقه دارید به کشور، علاقه دارید به ملت خودتان، این دستگاهی که دست شما هست - همه دستگاهها که نمی‌تواند همه دخالت بکنند - هر کسی آنجایی که دارد، این دستگاهی که دست شماست این دستگاه را اصلاحش کنید؛ یعنی غربی نباشید، غرب زده نباشید، که حتماً باید بین این خبر و این خبر، موسیقی باشد، این غرب زدگی است، یک طرح دیگری درست کنید، یک چیز دیگری. اخبار را زیادترش کنید، یک کارهایی بکنید که موسیقی را ترکش کنید. شما خیال نکنید که موسیقی یک چیزی است برای یک مملکت مترقی. موسیقی خراب می‌کند دماغ بچه‌های ما را؛ مغز بچه‌های ما را فاسد می‌کند. دائماً تو گوش یک جوان موسیقی باشد، این دیگر به کار نمی‌رسد؛ این دیگر نمی‌تواند فکر جدی بکند. اینکه ما می‌گوییم که اینها را از بین ببرید و مکرر من گفته‌ام، شاید تا حالا ده مرتبه بیشتر من به آقای قطب‌زاده^۲ گفته‌ام که آقا این را بردارید از آن، می‌گوید نمی‌شود. من نمی‌دانم این «نمی‌شود» یعنی چه؟ چرا نمی‌شود؟ شما به عرض من گوش بکنید. من عرض می‌کنم که اگر ما یک کاری که صلاح ملتمان است بکنیم، غربیها یا غرب زده‌ها بیایند به ما اشکال بکنند و بگویند که اینها کهنه پرستند، ما باید دست برداریم برویم سراغ آنها؟ یا نه، ما باید مصلحت خودمان را ملاحظه

۱ هدف رژیم طاغوت، انحراف نیروهای جوان - بیان ویژگی‌های مجلس خبرگان ۱۳۵۸/۵/۳

۲ آقای صادق قطب‌زاده، سرپرست وقت سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

کنیم. ما باید ملاحظه کنیم به اینکه این دستگامی که باید معلم جمعیت باشد، باید مربی جمعیت باشد، باید سازنده باشد، انسان جوری بار بیاورد که در فکر مقدرات خودشان نباشند، دنبال این باشند که بنشینند اینجا، و عرض بکنم که این مسائل را از سمع و بصر تحویل بگیرند، و باطنشان اصلاً بعد از چند روز خراب بشود، تهی بشود. اینجا باید مسائل آقا، مسائل تلویزیون و رادیو مسائل جدی باشد نه مسائل هزل! مسائل موسیقی، مسائل هزل است، نه مسائل جدی. شما باید مسائلتان مسائل جدی باشد. شما می‌خواهید یک مملکت درست بکنید. کسی که می‌خواهد مملکت درست کند، باید مسائلتش جدی باشد، نه مسائل شوخی و هزل باشد. اگر - چنانچه - فیلم می‌گذارید، فیلم جدی سازنده؛ نه یک فیلم خراب کن که جوان‌های ما را به خرابی بکشد - مثل زمان سابق - و آنهایی که می‌خواستند اصلاً جوان‌های ما را منحرف سازند اگر چنانچه مقاله می‌گویید مقاله‌ای باشد که سازنده باشد. اگر چنانچه فرض کنید که یک چیزی باید باشد مارش باشد، که ضایع نکند؛ تقویت بکند؛ نه موسیقی باشد که خراب می‌کند جوانهای ما را، خدا می‌داند که خراب می‌کند!

موسیقی در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای:

حذف موسیقی و لزوم دقت در مورد آواز

نکته راجع به برنامه‌های رادیو قرآن و رادیو معارف قم است. این دو رادیو واقعاً یکی از نعمتهای بزرگ و از جمله اقدامهای بسیار خوب و بارز است. چون بخصوص این دو رادیو صبغهی مذهبی دارد، باید برنامه‌هایش جزو فاخرترین‌ها باشد. این دو رادیو در موسیقیهانشان از ساز استفاده نمیکنند و این تقید را دارند که خوب هم است اما چون از آواز استفاده میکنند، باید این آواز از خوش‌صداترین، خوش‌آهنگ‌ترین و خوش‌مضمون‌ترین‌ها باشد. صدای بد، صدای نکره، صدای نخراشیده و دسته‌جمعیهای بیربط، مطلقاً باید وجود نداشته باشد. باید بهترین‌ها را در این‌جا جمع کرد؛ چون موسیقی این دو رادیو

بی ساز است. به هر حال چون این دو رادیو جنبه‌ی دینی دارند، باید برنامه‌هاشان خیلی زیبا و فاخر باشد؛ قضیه‌ی آن اذان نشود. البته باید به محتوای آواها هم بشدت توجه داشت^۱.

استفاده دشمن از هنر برای مقابله با ایران اسلامی و لزوم مقابله با آن

این جرم جمهوری اسلامی است. در زمینه مسائل گوناگون و قضیه فلسطین و غیره نیز همین‌طور است. به جرم تسلیم نشدن یک ملت در مقابل تمایل مستکبرانه قدرتهای جهانی، این ملت محکوم میشود که با همه ابزارها از جمله ابزار هنری با او به شدت مبارزه شود. همان‌گونه که عرض کردم، سازمان سیا بخش هنری دارد و فیلمهایی که بعد از انقلاب علیه ما و علیه شیعه و اسلام درست کردند، بسیار زیاد است. شما که یک فیلمساز و سینماگر و بازیگر سینما و تئاتر و موسیقیدان و آهنگساز ایرانی هستید و این واقعیت و مظلومیت را ادراک میکنید، تکلیفتان چیست؟ آیا هیچ تکلیف مردمی وجود ندارد؟ من شنیده‌ام که در قضایای جنگ جهانی در روسیه، شور علیاف آهنگ معروفی است که البته من نه آهنگش را شنیده‌ام، نه درست میدانم چیست؛ آقایان میدانند - در تهییج مردم برای وارد شدن به میدان جنگ، بیشترین تأثیر را داشت؛ یعنی در خدمت اهداف مردمی قرار گرفت. به طور طبیعی این توقع از هنرمند هر کشوری وجود دارد؛ بنابراین چطور میتواند نسبت به این قضیه بی تفاوت بماند؛ در حالی که دشمن از ابزار هنر استفاده میکند؟^۲

سوال ؟

حضور جناب عالی سلام عرض میکنم و از این که مسائل جوانان را مورد توجه و دقت قرار میدهید، از حضورتان سپاسگزارم. نقل است موقعی که زبان از کلام باز می‌ایستد، موسیقی آغاز به سخن میکند؛ با این تفاوت که این زبان نه تنها منبعث از فرهنگی است که از آن برخاسته، بلکه میتواند گستره

۱ بیانات در دیدار مسئولان سازمان صدا و سیما ۱۳۸۳/۹/۱۱

۲ بیانات در دیدار جمعی از اصحاب فرهنگ و هنر ۱۳۸۰/۵/۱

بسیار وسیعتری را که شامل کلّ دنیا میشود، در برگیرد و به‌عنوان یک زبان بین‌المللی درآید. همان‌طور که کلام میتواند جنبه‌های مثبت و پویا و ارزشمندی داشته باشد، به همان اندازه هم میتواند سخیف و نادرست و کم ارزش باشد. با توجه به همین جنبه‌های مختلف موسیقی بود که حضرت امام رحمة‌الله علیه با توجهی که نسبت به موسیقی و اهمیت آن در جامعه امروز داشتند، نظرات خودشان را در این مورد فرمودند و با پاره‌ای ملاحظات خاص که مورد نظر جامعه ما و اسلام هست، شکل مجاز و غیرغنائی آن را جایز دانستند. بعد از آن هم هرچند که با سیرِ بطئی موسیقی مواجه بودیم، اما به هر حال شاهد روند روبه رشد موسیقی در کشورمان بوده‌ایم. مسأله‌ای که وجود دارد و باعث شده که این هنر نتواند آن جایگاه واقعی خودش را متناسب با قابلیت‌های خودش در جامعه ما پیدا کند، این است که به‌طور کلی امور هنری و فرهنگی کشور ما، واجد مسؤولان و متولیان متعددی است که به‌طور موازی در این جنبه‌ها تصمیم‌گیری و اعمال نظر میکنند. اگر بخواهیم شفافتر بگوییم، باید عرض کنیم که در این زمینه‌ها اختلاف سلیقه‌های زیادی وجود دارد که باعث شده جوانان و به ویژه جامعه موسیقی ما در این خصوص بلا تکلیف بمانند. سؤال بنده از حضرت عالی این است که جدای از آن جنبه‌های فقهی که قبلاً به آن پرداخته و از حضورتان سؤال شده، نظرتان به‌طور خاص در مورد قابلیت‌های اجتماعی موسیقی به عنوان یک هنر چیست و این که در جامعه امروزی ما، با مقتضیات امروزی ما، با مقتضیات جوان امروز ما، با نوگرایی‌هایی که جوان ما طالب آن است، فکر میکنید موسیقی چه شرایطی باید داشته باشد؟ همچنین نظر خود را در خصوص جنبه‌های ویژه در موسیقی غیرسنتی، به‌عنوان این‌که زبانی بین‌المللی - و نه غربی - است، بفرمایید. آیا به این موضوع قائل هستید که بهترین راه مبارزه با تهاجم فرهنگی - که یکی از مهمترین روش‌هایش نفوذ از راه هنر و به ویژه از راه موسیقی است - ارائه الگوهای پاک و سره و ناب و متناسب با شرایط ملی و مذهبی کشورمان است؟

این که ما بگوییم موسیقی بهترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی است، نه؛ من به این معتقد نیستم که موسیقی یک چنین کششی داشته باشد. بهتر است بگوییم یکی

از راه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی است. بله؛ یکی از راه‌هاست. البته با شرایطی می‌تواند باشد؛ اما بهترین راهش را این میدانم.

ببینید؛ در مورد موسیقی دو حرف وجود دارد: یکی این که ببینیم اساساً مشخصه‌های موسیقی حلال و حرام چیست و دیگر این که بیاییم در مصداق، مرزهایی را مشخص کنیم تا به قول شما، جوانان بدانند که این یکی حرام و این یکی حلال است. البته این دومی کار آسانی نیست. کار دشواری است که انسان از این اجراهای موسیقی‌های گوناگون - موسیقی خارجی، موسیقی ایرانی هم با انواع و اقسامش؛ با کلام، بیکلام - بخواهد یکی یکی اینها را مشخص کند؛ اما مشخصه‌های کلیای دارد که آنرا می‌شود گفت. البته من هم در جاهایی به بعضی از اشخاصی که دست‌اندرکار بودند، آنچه را که می‌توانستم و میدانستم، گفته‌ام؛ حالا هم مختصری برای شما عرض می‌کنم.

ببینید؛ موسیقی‌هایی که انسان را به بیکارگی و ابتذال و بی‌حالی و واخوردگی از واقعیت‌های زندگی و امثال اینها بکشاند، موسیقی حلال نیست؛ موسیقی حرام است. موسیقی چنانچه انسان را از معنویت، از خدا و از ذکر غافل کند، حرام است. موسیقی‌هایی که انسان را به گناه و شهوترانی تشویق کند، حرام است؛ از نظر اسلام این است. موسیقی اگر این خصوصیات مضر و موجب حرمت را نداشته باشد، البته آن وقت حرام نیست. اینهایی را که من گفتم، بعضیش در موسیقی بیکلام و در سازهاست؛ بعضی هم حتی در کلمات است. یعنی ممکن است فرضاً یک موسیقی ساده بی‌ضرری را اجرا کنند، لیکن شعری که در این موسیقی خوانده می‌شود، شعر گمراه‌کننده‌ای باشد؛ شعر تشویق‌کننده به بی‌بندوباری، به ولنگاری، به شهوترانی، به غفلت و این‌طور چیزها باشد؛ آن وقت حرام می‌شود. بنابراین، آن چیزی که شاخص حرمت و حلیت در موسیقی است و نظر شریف امام هم در اواخر حیات مبارکشان - که آن نظریه را در باب موسیقی دادند - به همین مطلب بود، این است. موسیقی لهوی داریم. ممکن است موسیقی به اصطلاح فقهی اش - موسیقی لهوی باشد. «لهو» یعنی غفلت، یعنی دور شدن از ذکر خدا، دور شدن از معنویت، دور شدن از واقعیت‌های زندگی، دور شدن از کار و تلاش و فرو غلتیدن در ابتذال و

ببیندوباری. این موسیقی میشود حرام. اگر این با کیفیت اجرا حاصل شود، اگر با کلام حاصل شود؛ فرقی نمیکند.

شما میگویید زبان بین‌المللی. آن موسیقی ای که به قول خود شما مرزها را درنوردیده و در جاهایی پخش شده، آیا لزوماً موسیقی خوبی است؟ صرف این که یک موسیقی از مرز فلان کشور خارج شد و توانست به مثلاً کشورهای مختلف برود و یک عده طرفدار پیدا کند، مگر دلیل خوب بودن موسیقی است؟ نه؛ به هیچ وجه. ممکن است موسیقیای باشد که به شهوترانی و تحرکات و نشاط های شهوی جوانی تحریک میکند؛ طبیعی است که یک مشت جوانی که غفلت زده هستند، از این موسیقی خوششان می‌آید. هر جایی که در دنیا دستشان به این نوار بیفتد، از آن نوار استفاده میکنند. این دلیل خوب بودن موسیقی نیست.

من نمیتوانم به‌طور مطلق بگویم که موسیقی اصیل ایرانی، موسیقی حلال است؛ نه، این طور نیست. بعضی خیال میکنند که مرز موسیقی حلال و حرام، موسیقی سنتی ایرانی و موسیقی غیرسنتی است؛ نه، این طوری نیست. آن موسیقی که منادیان دین و شرع همیشه در دوره‌های گذشته با آن مقابله میکردند و میگفتند حرام است، همان موسیقی سنتی ایرانی خودمان است که به شکل حرامی در دربارهای سلاطین، در نزد افراد بی بندوبار، در نزد افرادی که به شهوات تمایل داشتند و خوض در شهوات میکردند، اجرا می‌شده است. این همان موسیقی حرام است. بنابراین، مرز موسیقی حرام و حلال، عبارت از ایرانی بودن، سنتی بودن، قدیمی بودن، کلاسیک بودن، غربی بودن یا شرقی بودن نیست؛ مرز آن چیزی است که من عرض کردم. این ملاک را میشود به دست شما بدهیم، اما این که آیا این نوار جزو کدام هاست، این را من نمیتوانم مشخص کنم.

البته الان دستگاههایی هستند که ممیزی میکنند؛ اما من خیلی هم اطمینان ندارم که این ممیزیها صددرصد درست باشد. گاهی می‌آیند به ما میگویند که یک نوار بسیار بد یا مبتذلی را به صورت مجاز پخش میکنند؛ گاهی هم ممکن است عکس این اتفاق بیفتد. من الان نمیدانم واقعاً این ممیزیها چقدر از روی واقع‌بینی و ضابطه‌مندی انجام می‌گیرد؛ اما آن چیزی که من میتوانم به شما

به‌عنوان یک جوان خوب و به‌عنوان کسی که مثل فرزندان خودم هستید به‌عنوان نصیحت و نظر خودم بگویم، این‌است که عرض کردم.

به‌نظرم میرسد که موسیقی میتواند گمراه‌کننده باشد، میتواند انسان را به شهوات دچار کند، میتواند انسان را غرق در ابتذال و فساد و پستی کند؛ میتواند هم این نباشد و میتواند عکس این باشد. مرز حلال و حرام این‌جاست. من امیدوارم که شما جوانان با این زادِ تقوا بتوانید وارد میدان شوید و تولیدهایی داشته باشید که به معنای حقیقی کلمه هم خصوصیات موسیقی خوب و بلیغ را داشته باشد و به معنای حقیقی تأثیرگذار مثبت باشد و حقیقتاً جوانان و روحها را به صفا و به معنویت و به حقیقت رهنمون کند^۱.

چند نظری بر موسیقی

نکته‌ی دیگر - که این دوستان ما در این‌جا روی آن حساسند و من البته خودم به آن توجه نکرده‌ام، چون وارد نیستم، اما کل مطلب را تصدیق میکنم - این است که پخش موسیقی‌های غربی در لایه برنامه‌ها، به‌طور ناخود آگاه ارتباط مباحث علمی را با غرب و فرهنگ غربی تداعی میکند.

البته بنده کلاً با موسیقی غربی در رادیو مخالفم. من معتقدم که موسیقی ایرانی میتواند به نیازهای شما پاسخ دهد. دیشب من اتفاقاً ساعت ۸:۳۰ رادیو را باز کردم که همین برنامه‌ی شما را بشنوم، اما دیدم که این شبها مثل این‌که برنامه ندارید؛ برنامه‌ی دیگری بود و راجع به موسیقی صحبت میکرد؛ بعد دیدم که بر این نکته تأکید کرد که موسیقی ایرانی میتواند تمام خواسته‌هایی را که از موسیقی انتظار میرود، برآورده کند. در باب موسیقی بنده که وارد نیستم؛ لابد شما هم وارد نیستید؛ دیگر بنا نیست که همه‌ی چیزها را شماها وارد باشید موسیقیدان‌های ما چنین نظر میدهند و حرفشان حجت است. شما بگویید ما بر اساس دستگاهها و ردیفهای ایرانی، آهنگی میخواهیم که باب برنامه‌های علمی باشد. بله، من هم عقیده ندارم که چیزی را که مثلاً کسی خوانده، کسی

۱ بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان) ۱۳/۱۱/۱۳۷۷

نواخته و هیچ مناسبتی هم با علم ندارد، ما بیاوریم در برنامه‌ی علمی بگذاریم؛ باید چیزی باشد که با این برنامه و با محتوای آن بسازد.

شما می‌توانید موسیقی سفارش بدهید. به همین ارکستر بزرگ تهران که متعلق به رادیو و تلویزیون است سفارش بدهید و از آنها بخواهید بیاورند؛ چنانچه نپسندیدید، رد کنید؛ بگویید این به دردمان نمیخورد؛ یکی دیگر بسازید. شاید این مراجعات مکرر شما، موسیقیدان‌ها و خوانندگان و نوازندگان ما را هم یک خرده سر شوق بیاورد که چیزهای جدیدی بسازند. اینها هم همه‌اش دنبال چیزهای عجیب و غریب قدیمی هستند و واقعاً نوآوری ندارند؛ اشکال کارشان این است! خیال میکنند نوآوری همین است که مثلاً یک ذره مردم را به چیزهای طرب‌انگیز لهوآمیزی سرگرم کنند؛ درحالی‌که موسیقی می‌تواند لهوی نباشد. خود معنای لهو، یعنی غافل‌کننده. آیا خوب است که آدم غافل بشود؟ غفلت که چیز خوبی نیست. واقعاً این‌طور باور شده که موسیقی باید لهوآمیز باشد! لهو، یعنی غافل شدن. غافل شدن از چه؟ از همه چیز؛ در رأسش خدا، و بعد هم از زندگی غافل شدن، از هدفها غافل شدن، از حرکت غافل شدن. آیا واقعاً موسیقی این است؟ موسیقی باید این‌طوری باشد؟

شما ببینید در داستانهای قدیمی خود ما درباره‌ی «فارابی» نقل شده است که سازی را کوک کرد که همه خندیدند و همه گریستند و بعد همه خوابیدند و او در رفت! البته ممکن است این هم یکی از همان داستانهای علمی، تخیلی باشد؛ من نمیدانم؛ کسانی‌که بیشتر واردند، بگویند. ما که می‌بینیم میشود؛ یعنی واقعاً کسی طوری بزند که آدم گریه کند. اتفاقاً موسیقی ما بیشتر همان جنبه‌ی گریه را دارد. آیا نمیشود طوری با «قانون» بزنند که افراد بخندند؟ ما الان این را در موسیقی خودمان کم داریم. وقتی ما از موسیقی شاد سخن می‌گوییم، بعضی خیال میکنند موسیقی شاد باید مرقص باشد! در حالی که معنای شاد، مرقص نیست.^۱

جمع بندی نهایی :

موسیقی به عنوان یکی از مصادیق هنر که زیبایی حس شنوایی را جلوه گر می کند ، یک گرایش فطری است ولی انسان ها معمولا به علت گناه دارای فطرت پاکی نیستند و در درک درست موسیقی زیبا دچار اشتباه می شوند . مثلا صدای آبشار به عنوان زیبا ترین موسیقی ها در فطرت هر انسان پاکی بسیار زیباست. در مورد بحث فقهی هر مقلدی باید به مرجع تقلیدش رجوع کند. بحث ما در این نوشته برای آشنایی با مباحث مطرح در موسیقی بود و در بعضی از موارد به نتیجه گیری قطعی نهایی نرسیده ایم . کلام امام و رهبری همیشه راه گشای مسیر انقلاب اسلامی است لذا صحبت های ایشان در پایان مقاله به عنوان فصل الخطاب قرار دارد هر چند ممکن است با بعضی نظرات در این نوشته متفاوت باشد.

ای یوسف زهرا سر بازار محبت با رشته کلافی سر سودای تو دارم

منابع:

قرآن / نهج البلاغه / نهج الفصاحه / تفسیر المیزان / تفسیر مجمع البیان / اصول کافی

موسیقی از دیدگاه فلسفی و روانی - علامه محمد تقی جعفری

موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام - محمد اسماعیل نوری

درآمدی بر موسیقی از دیدگاه اندیشمندان و فقها - علی اصغر مومنی

موسیقی از دیدگاه اسلام - محمد علی حسین زاده

موسیقی و تفریح در اسلام - شهید دکتر بهشتی

www.daneshnameh.roshd.ir www.makarem.ir

www.tebyan.net www.khamenei.ir

www.imam-khomeini.ir